

بنام ایزد یکتا

معماری ایرانی هنری مردمی است که از دیر باز بدست مردم آگاه و هنرشناس این مرز و بوم پدید آمده و پیوسته نغزتر و مردمی تر شده است .

معماران ایرانی هرگز دست بسته و چشم براه ننشسته اند تا چوب از هندی و آهن از فرنگ بیا رند و کوشیده اند با آنچه در دسترسشان بوده با در کوهها و دشتهای پیرامون خانمانشان نهاده سراها و کوشکهای باندازه و در خور مردم خود و هم آهنک با زندگی پدید آورند . از سنگ لاشه و ربک و سنگریزه کوه نزدیک گرفته تا خاک رس و خاکه گاه و نی و گچ و آهنی که از گداختن سنگها بدست میآید همه را بکار می گرفتند و از سر خاکستر گلخن گرامبه و پوسته های لاد بجامانده در تک جویها و سیلاب کندها هم نمی گذشتند . برای اینکه دستکردهایشان هر چه نغز تر و پرداخته تر و مردم وار تر شود پروائی نداشتند که از دست آوردهای همسایگان و مردمی که پیش از ایشان و پیش از ایشان کار آزموده بودند بهره گیرند .

برای اینکه برف و باران گاه و بیگاه در اندود بام و نمای ساختمان رخنه نکند از پاره های خشت پخته و کاشی بهره گرفتند و این گوهرهای دست ساز را چنان با نغز کاری در کنار هم چیدند که گفنی گوهری چیره دستی از زیر جد و لاجورد کار گرفته است و برای اینکه آفتاب گدازنده تابستان گزند نرساند با پالانه کاهگل و کنو و پروازو پردی از چند پاره لایه و تخته و توفال کم بها و با کاربندی با مثنی گچ و چند شاخه نی و پیژر خوار مایه پوششهای دو لایه و چند لایه ساختند و این پیرایه های ناگریز و در بایست را چنان نغز و زیبا می بستند که برخی بگمان افتادند که مگر تنها برای آرایش و آذین چندین هنر نغز در کنار معماری و وابسته بآن پدید آمده است .

استادان معمار و کسانیکه در هنرهای وابسته معماری دستی داشتند بکدم از تلاش و کوشش خود را در راه هر چه مردمی تر و پرداخته تر کردن کار باز نایستادند و آزموده ها و یافته های خود را دست بدست و سینه بسینه استاد بشاکرد و پدر به پسر سپردند تا بروزگار ما رسید .

در پناه که از یکصد سال پیش تنی چند از هنرمندان ما چشم بدست مردمی نا آشنا دوختند که نه شیوه زندگیشان مانند ما بود و نه مرز و بومشان بسرزمین ما می مانست و نا آگاه از آب خوشی که خود در کوزه داشتند تشنه لب گرد جهان گشتند و بارخانه را بدست فراموشی سپردند و چنان شد که کم کم استادان کار آزموده معماری گوشه گرفتند و شگفت آفرینان چیره دست هنرهای وابسته بآن ، کار خود را رها کردند و بکاری دیگر روی آوردند تا پس از چندی در گوشه های بگمنا می چشم از جهان فرو بستند و هنر دوستان و پژوهشگران را در افسوس و دریغ گذاشتند .

خوشبختانه از چندی پیش جوانان پرشور و دلباخته این هنر مردمی بکار پژوهش و باز یافت آنچه از دست رفته پرداخته اند و کاری بس ارجمند را در این راه آغاز کرده اند . از میان ایشان سرکار بانو زهره بزرگمهری معمار جوان و پرشور با شیفتگی و ژرف نگری بکار گردآوری شیوه های کاربندی (که از دست کم هزار سال پیش در کنار معماری ایرانی چهره نموده و هر روز پخته تر و پرداخته تر شده) دست زده و دفتری فراهم آورده که باید دید و خواند و ارج آنرا شناخت . این بنده که از دیر باز دلباخته معماری ایرانی بوده (و به پیرانه سر هم هنوز شوری در سر دارد) خود گواه تلاش بی گیر چندین و چند ساله این هنر پژوه جوان بوده و دیده است که چگونه از دور با نزدیک هر جا نمونه ای از کاربندی می یافته بی درنگ با کاری شبانه روزی و خستگی ناپذیر به بازنگاری و باز نمائی شیوه ساخت آن می پرداخته است و چون این خامه شکسته نمی تواند صد یک آنچه را که وی فراهم آورده بازگو کند بوی " دست مریزاد " میگوید و کامیابی وی را از یزدان پاک میخواهد .